

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ [المائدة: ۸]

امارت اسلامی افغانستان

اصولنامه اجراءات محاکم جزائی عدلی

این سند توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO) برای پروژه دیده بان حاکمیت قانون افغانستان (ARLO) ترجمه شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد ARLO، لطفاً از وب سایت ما [www.arlo.online](http://www.arlo.online) دیدن کنید.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکاررفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وبه نستعین.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ الْقُوَّةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْمَلِكُ، بِتَقْدِيرِهِ تَجْرِي السَّفِينُ وَالْفَلَكَ، وَبِحَكْمَتِهِ الْبَقَاءُ وَالْهَلَكُ.

، قُل: اَللّٰهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ لَكَ الْعِظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ، وَالرَّفْعَةُ وَالْثَنَاءُ، وَالْمَجْدُ وَالْبَهَاءُ، تُؤْتِي الْمَلِكُ مِنْ تَشَاءُ

وَتَنْزِعُ الْمَلِكُ مِنْ تَشَاءُ، مِنْكَ السَّرَّاءُ وَالضَّرَّاءُ، وَبِتَقْدِيرِكَ الْاَلَاءُ وَالنِّعْمَاءُ، لَكَ الْبَقَاءُ وَلِغَيْرِكَ الْفَنَاءُ تَعَزَّ مِنْ تَشَاءُ، وَتَذَلَّ مِنْ تَشَاءُ.

أَحْمَدُهُ، عَلَى جَزِيلِ النِّعَمِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ وَبِيلِ النِّقَمِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَخَلَفَائِهِ أَجْمَعِينَ، خُصُوصًا عَلَى صَاحِبِهِ الْمَصْلِيِّ فِي مَحْرَابِهِ، الْمُقَدَّمِ عَلَى سَائِرِ أَصْحَابِهِ، الْبَرِّ

الشَّفِيقِ، الْمَكْنِيِّ بِعَتِيقِ (الإمام أمير المؤمنين)، أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ.

وَعَلَى الزَّاهِدِ الْأَوَّابِ، وَالْفَارُوقِ التَّوَّابِ، زَيْنِ الْأَصْحَابِ، حَنْفِي الْمِحْرَابِ، وَقَاتِلِ الْمُرْتَابِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَمْرٍاءُ بْنِ الْخَطَّابِ .

وَعَلَى الطَّاهِرِ مِنْ كُلِّ شَيْنٍ، الْمَخْصُوصِ بِالابْنَتَيْنِ، جَامِعِ الْقُرْآنِ، مَعْدِنِ الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ.

وَعَلَى ذِي النَّسَبِ الرَّفِيعِ، وَالجَنَابِ الْمُنِيعِ، لَيْثِ بْنِ غَالِبٍ، وَمَظْهَرِ الْعَجَائِبِ، وَقَارِسِ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ، الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

وعلي امير المؤمنين، شيخ الحديث والتفسير هبة الله اخوندزاده -حفظه الله- ، اما بعد :

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

## ماده اول:

تعزیر در عربی تأدیب را گویند، همچنان معنای رد و منع را نیز افاده میکند و در شریعت تأدیبی است که به اندازه کمتر از حد میباشد.<sup>1</sup>

تبصره: تفاوت بین حد و تعزیر قرار آتی میباشد:

1. مقدار جزاء در حد معین میباشد و جزای تعزیر مفوض به رأی و نظر امام است.<sup>2</sup>
2. حدود با شکوک و شبهات ساقط میشود و تعزیر را میتوان با شبهات داد.<sup>3</sup>
3. حد نابالغ غیرمشروع و تعزیر اش مشروع میباشد.<sup>4</sup>
4. در شریعت، حد برای ذمی نیز وجود دارد و تعزیر برای او سزا و عذاب پنداشته میشود؛ زیرا تعزیر در شرع برای ترکیه میباشد.<sup>5</sup>
5. بعضی متأخرین علاوه نموده اند که حد متعلق به امام میباشد و سزای تعزیری از طرف شوهر و بادر نیز اجراء شده میتواند.<sup>6</sup>
6. هر آن کسی که گناهکار را در حالت گناه ببیند حین ارتکاب و فعل گناه صلاحیت تعزیر را دارا میباشد؛ زیرا مسلمان در شریعت مکلف به این گردیده است وقتیکه نا جایز و ظلم را ببیند مطابق قدرت خود از آن جلوگیری خواهد کرد. اما اگر امکان آن بود که موضوع را به توجه امام برساند، سپس موضوع را به توجه امام می رساند و از اقدام خودسرانه برای جلوگیری او خودداری می ورزد تا اینکه او (امام) مانع گناهکار شود.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر بحواله ردالمحتار

<sup>2</sup> رساله امیرالمؤمنین: (۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>3</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>4</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>5</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>6</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>7</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

7. رجوع در حد صحیح میشود نه در تعزیر. (۱)<sup>۱</sup>
8. در حد، مشهود علیه الی تکمیل تحقیق در رابطه به شهود زندانی میشود، اما در جزای تعزیری حبس معلق نیست. (۲)<sup>۲</sup>
9. در حد، شفاعت بعد الاثبات جواز نه دارد و برای امام نیز جایز نیست آنرا ترک کند. (۳)<sup>۳</sup>
10. حد با گذشت زمان ساقط نمیشود و تعزیر این چنین نیست. (۴)<sup>۴</sup>
11. در تعزیرات تداخل وجود ندارد، اما در حدود است. (۵)<sup>۵</sup>
12. تعزیر و قصاص به میراث باقی میماند، اما حدود به میراث باقی نمی ماند. (۶)<sup>۶</sup>
13. تکفیل در تعزیرات جواز دارد، در حدود جواز ندارد. (۷)<sup>۷</sup>
14. حدود مکفر است، تعزیرات زاجر و مصلح میباشد. (۸)<sup>۸</sup>

#### ماده دوم:

گرچه در مقدار تعزیرات اختلاف وجود دارد، اما راجح این است که تعزیر به رأی قاضی مفوض است. البته هرگاه تعزیر با قتل یا حبس ابد بود، آنگاه مستلزم اذن امام میباشد. (۹)<sup>۹</sup>

قاضی میتواند هر گونه تعزیری را که مناسب تلقی کند، بدهد. (۱۰)<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر بحواله ردالمحتار

<sup>۲</sup> رساله امیرالمؤمنین: (۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>۳</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>۴</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار

<sup>۵</sup> بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۶)

<sup>۶</sup> بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۶)

<sup>۷</sup> بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۶)

<sup>۸</sup> بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۶) و ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۱۵۴)

<sup>۹</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۳) بحواله ردالمحتار و ایضاً فی بحر الرائق: (ج: ۵، ص: ۴۴)

<sup>۱۰</sup> امیرالمؤمنین فی باب التعزیر: (ص: ۴۵) بحواله ردالمحتار

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

ماده سوم:

در جرایم و جزای حدود و همچنان در جزای جرایم قصاص و دیت جریمه در نظر گرفته میشود، نه مجرم.<sup>1</sup>

ماده چهارم:

در جزای تعزیر، جرم و شخصیت مجرم و همچنان زمان و مکان هر دو در نظر گرفته میشود.<sup>2</sup>

ماده پنجم:

جزای که در شریعت برای جرایم حدود، قصاص و دیت تعیین گردیده است، قاضی اجازه ندارد جزای دیگری را در مقابل جزای تعیین شده به مجرم بدهد.<sup>3</sup>

تعزیر به چهار نوع است:<sup>4</sup>

تعزیر نوع اول: برای علماء و مردم بلند پایه است. تعزیر اینگونه مردم به شکل هشدار میباشد. یعنی قاضی به آنها میگوید: خبری به ما رسیده است که تو فلان و فلان کارها را میکنی.

تعزیر نوع دوم: برای اشراف است، مثلاً سران قبیله ها و تاجران. تعزیر این چنین مردم با هشدار و کشانیدن شان به محل قضاء میباشد.

تعزیر نوع سوم: برای مردم متوسط جامعه، که شهروندان عادی میباشند، است. تعزیر این چنین مردم با زندانی ساختن و کشاندن اجراء میشود.

<sup>1</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۸) بحواله ردالمحتار باب التعزیر.

<sup>2</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۸) بحواله ردالمحتار باب التعزیر: (ج: ۳).

<sup>3</sup> رساله امیرالمؤمنین: فی باب التعزیر (۳۴) بحواله تشریح الجنائی.

<sup>4</sup> رساله امیرالمؤمنین: (ص: ۴۵) بحواله ردالمحتار فی باب التعزیر.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکاررفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

**تعزیر نوع چهارم:** برای مردم خسیس است. تعزیر این چنین مردم با توبیخ کردن و ضرب صورت میگیرد، اما این ضرب در یک جا نه خواهد بود.

**تبصره:** در ضرب تعزیر از زدن جای جلوگیری کند که در حدود منع شده باشد، مثلاً سر و غیره.

**ماده ششم:**

در شریعت، تعزیر به انواع مختلفی میباشد. اصول شریعت در تطبیق این انواع تعزیر ممانعت نمیکند. هر عقوبتی که اهداف شریعت با آن برآورده میشود، تطبیق گردد.<sup>1</sup>

**ماده هفتم:**

در جزایهای اختیاری تعزیرات کشتن یا قطع عضو جواز ندارد.

**تبصره:**

مگر تعداد بیشتری از فقهاء مصلحتاً اجازه داده اند در صورتیکه با مرگ او از مفاد عامه محافظت میشود، در آنصورت جزای مرگ را میتوان تعزیراً داد. مثلاً (۱) دوام بر فساد. (۲) جاسوسی کردن. (۳) قتل بالمثل. (۴) دفاع از مذهب باطل (۵) دعوت به مذهب باطل.<sup>2</sup>

**توضیح:** به گونه مثال، علمای احناف میگویند: اگر شخصی با شی سنگین کشته شود، جزای را که به قاتل مقتول داده میشود، جزای تعزیری سیاسی گویند، و آئمه ثلاثه آنرا حد و قصاص مینامند.

<sup>1</sup> التشریح الجنائی: (ج: ۱، ص: ۵۱۴)، طبع بیروت

<sup>2</sup> رساله امیرالمؤمنین: (۳۴) التشریح الجنائی (ج: ۱، ص: ۵۲۶)، طبع بیروت.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده هشتم:

شریعت اسلامی جزای مرگ را حداً در چهار جرم؛ چون (۱) زناى محصن، (۲) قطاع الطريق، (۳) بغاوت، (۴) ردت - العیاذ باللہ تعالی، و قصاصاً در یک جای؛ مثلاً در قتل عمد مجاز گردانیده است. البته مستلزم اذن امام در همه جرایم است.<sup>۱</sup>

#### ماده نهم:

هرگاه حقوق الله و حق العبد باهم یکجا شود، قاضی نخست در حق العبد فیصله خواهد کر و سپس در حق الله.<sup>۲</sup>

#### ماده دهم:

تا که عقوبت اصلی با یکی از اسباب شرعیه، چون قصاص، منع نشده باشد، برای قاضی جایز نیست که در عقوبت بدلی، مثلاً دیت یا تعزیر، حکم نماید.<sup>۳</sup>

#### ماده یازدهم:

تعزیر مشروع است در هر آن جنایت که برایش حد تعیین نه شده باشد، اگر جنایتکار حر (اصیل) و یا عبد (غلام) باشد؛ مرد باشد و یا زن، مسلمان باشد یا کافر، بالغ باشد یا صغیر بشرط عقل.<sup>۴</sup>

#### ماده دوازدهم:

قاضی میتواند به اهلاک مال تعزیر دهد، نه اخذ مال.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> رساله امیرالمؤمنین: (۵۰) التشریح الجنائی: (ج: ۱، ص: ۵۲۶)، طبع بیروت

<sup>۲</sup> المبسوط للسرخسی: (ج: ۶، ص: ۴۸).

<sup>۳</sup> التشریح الجنائی: (ج: ۲، ص: ۹۱).

<sup>۴</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (ص: ۱۶۹، ۱۷۷) و هکذا فی بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۴).

<sup>۵</sup> حاشیه معین القضاة: (ص: ۲۰۲).

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده سیزدهم:

تطبیق عقوبت در صورت اثبات حدود واجب التنفيذ است، در تعزیرات حقوق الله نیز واجب التنفيذ میباشد؛ اما در حقوق العباد، شفاعت، صلح، عفو، و ابراء صحیح است.<sup>1</sup>(۱)

#### ماده چهاردهم:

اثبات تعزیرات در حقوق العباد با اسبابی صورت میگیرد که بموجب آن دیگر حقوق ثابت میشود، مثلاً اقرار، بینه و نکول یا انکار کردن؛ بر علاوه، شاهدی زن ها همراه با مردها و اثبات تعزیر در حقوق الله با اقرار، بینه، خیر عدل، قرینه واضح و علم قاضی صورت میگیرد. اثبات قصاص و حدود با شهادت علی الشهادت و کتاب القاضی الی القاضی صورت نه میگیرد.<sup>2</sup>(۲)

#### ماده پانزدهم:

هرگاه شخصی مرتکب لواطت میشود، قاضی او را تا وقتی زندانی نماید که آثار توبه در او ظاهر شود و هرگاه لواطت عادت اش بود، سپس به اذن امام بقتل رسانیده شود.<sup>3</sup>(۳)

#### ماده شانزدهم:

قاضی وقتی میتواند متهمی را محبوس نماید که یک نفر عادل و یا دو نفر مستورالحال شهادی دهندند.<sup>4</sup>(۴)

#### ماده هفدهم:

هرگاه نفری به قتل، سرقت یا لت و کوب شخصی دیگری متهم گردد، قاضی او را تا وقتی محبوس نماید که آثار توبه در او ظاهر گردد.<sup>5</sup>(۵)

#### تبصره:

قاضی، تا اینکه کشف الحال نه کرده باشد، متهم را به با یاد کردن قسم رها نخواهد کرد.

<sup>1</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (ص: ۱۶۹، ۱۷۰) ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۲۰۴).

<sup>2</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (۱۷۱)، بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۶).

<sup>3</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (ص: ۸۴).

<sup>4</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (ص: ۱۸۳)، ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۲۰۵).

<sup>5</sup> فتاوی الحدود والتعزیرات: (ص: ۱۳)، ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۲۰۶).



یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده هجدهم:

هرگاه مدعی در محضر قاضی اقرار نماید که دعوی من کاذب بوده، قاضی او را تعزیر نماید.<sup>1</sup>(۱)

#### ماده نوزدهم:

قاضی در اثبات حدود و تعزیرات بیشتر دقت نماید، اگر در عفوہ خطاء نماید، این بهتر از آنست که در عقوبت خطاء نماید.<sup>2</sup>(۲)

#### ماده بیستم:

تعزیر به هر آنکسی داده میشود که مرتکب جرمی شود که به حد رسیده باشد، اما شرایط حد در آن موجود نباشد. مثلاً کسی دزدی کند اما از محل محفوظ نباشد.<sup>3</sup>(۳)

#### ماده بیست و یکم:

تعزیر بعلت تهمت<sup>4</sup> نیز داده میشود، مثلاً: کسی همنشینی با فساق دارد، هرچند خودش فاسق نباشد؛ یا با دزدها وقت سپری میکند هرچند خودش دزد نباشد؛ یا صحبت شرابی ها را دارد هرچند خودش شراب خوری نمیکند، شخص مذکور را میتوان تعزیر نمود.<sup>5</sup>(۴)

#### ماده بیست و دوم:

تعزیر را میتوان بعلت مصلحت نیز داد؛ هرچند مرتکب عمل جرمی نه گردیده باشد. مثلاً زدن اطفال بعلت ترک نماز و وضو.<sup>5</sup>(۵)

<sup>1</sup> وثائق و السجلات: (۴۸۶)، تنقیح الحامدیة: (ص: ۶۱).

<sup>2</sup> حدیث الترمذی

<sup>3</sup> التشریح الجنائی: (ج: ۲، ص: ۹۱) بیروت.

<sup>4</sup> معین القضاة: (ص: ۹۱)، معین القضاة: (ص: ۲۱۵)، ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۲۰۷)، فتاوی الهندیة: (ج: ۲، ص: ۱۶۹).

<sup>5</sup> التشریح الجنائی: (ج: ۱، ص: ۱۵۱) بیروت، بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۳۴)

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده بیست و سوم:

برای قاضی جایز است دو نوع تعزیر یا بیشتر از آنرا به مجرم بدهد. به گونه مثال: هر دو واحد ضرب و حبس.<sup>1</sup>(۱)

#### ماده بیست و چهارم:

هرگاه یک مجاهد یا یک عسکر یا کارمند امارت از امر آمر سرپیچی نماید نو درین صورت، آمر نخست باید به او نصیحت کند. هرگاه با نصیحت اصلاح نشد، سپس او را تعزیر نماید. اما در صورت اثبات عذر، از تعزیر کردن خودداری نماید.<sup>2</sup>(۲)

#### ماده بیست و پنجم:

تعزیر عسکر جایز است با منع کردن او از خدمت و قتیکه آمر برایش میگوید: تو دیگر خدمت نخواهی کرد، و با برکناری افراد مؤظف از وظیفه و همچنان با قطع اجرات.<sup>3</sup>(۳)

#### ماده بیست و ششم:

قاضی میتواند حد و تعزیر را باهم جمع نماید؛ اما فاصله فی مابین حد و تعزیر با حبس خواهد بود. به گونه مثال: هرگاه کسی در ماه رمضان در روز شراب می نوشد، قاضی حد شراب بالای او جاری نماید، سپس او را زندانی مسیازد، بعداً او را تعزیر با ضرب دهد.<sup>4</sup>(۴)

<sup>1</sup> عالمگیریه: (ج: ۲، ص: ۱۶۹)، معین القضاة المادة: (۳۹۹)، معین القضاة: (ص: ۷۱)، الانقرویه: (۸۴۵).

<sup>2</sup> الهندیه: (ج: ۲، ص: ۱۹۲).

<sup>3</sup> السیاسة الشرعیة فی اصلاح الداعی والداعیه: (ص: ۹۲)، و هكذا تشریح الجنائی (ج: ۱، ص: ۵۱۴).

<sup>4</sup>

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

ماده بیست و هفتم:

تعزیر به ۳ نوع است:

(۱) تعزیر باخذ المال (۲) تعزیر باهلاک المال (۳) تعزیر بحبس المال. (۱)<sup>۱</sup>

(۱) تعزیر باخذ المال بدون وقت اشد ضرورت جایز نیست؛ البته در وقت اشد ضرورت، با مقام عالی قضاء، چون ستره محکمه، و یا مقام عالی تمیز مشوره خواهد کرد و بعد از اتفاق فیصله خواهد کرد.

(۲) تعزیر باهلاک المال جایز است. و

(۳) تعزیر بحبس المال، مثلاً: شخصی است متمدن یا مختفی یا ممتنع و در محکمه حاضر نه میشود و از طریق وکیل مسخر نیز حاضر نمیشود، سپس فیصله بحبس المال بعد از مشوره صورت میگیرد.

قابل یادآوری است که کسی نمیتواند تعزیر بحبس المال را بدهد مگر اینکه قاضی باشد. (۲)<sup>۲</sup>

ماده بیست و هشتم:

حبس یکی از انواع تعزیر میباشد. هرگاه قاضی تعزیر با حبس به مجرم دهد، حبس باید مطابق طرز العمل محبس باشد؛ البته در صورتیکه خوف فرار محبوس بود، قاضی میتواند او را در ولچک و زولانه ببندد. (۳)<sup>۳</sup>

ماده بیست و نهم:

قاضی میتواند بعضی محبوسین را الی وقت نامعین محبوس نماید تا اینکه آثار توبه در آنان ظاهر گردد. به گونه مثال، محبوسین بغاوت یا محبوسین سیاسی دیگر. (۴)<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ردالمحتار باب التعزیر: (ج: ۶، ص: ۱۰۷).

<sup>۲</sup> ردالمحتار باب التعزیر: (ج: ۶، ص: ۹۸) و مثله فی الهندیة (ج: ۲، ص: ۱۶۷) و ایضاً فی الفقه الاسلامی: (ج: ۶، ص: ۱۸۶).

<sup>۳</sup> روضة القضاء: (ص: ۳۴۹) المادة (۱۲۸۷، ۱۳۰۸) بحواله كتاب الخراج.

<sup>۴</sup>

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده سی ام:

کسانیکه به اهلاک اموال و جان های مردم متهم باشند، قاضی میتواند آنر محبوس نماید. مثلاً، کسی متهم است به حریق کشانیدن اموال مردم و یا کشتن حیوانات و سایر اعمال تخریبی مثل اینها؛ تا اینکه اظهار توبه از آنها ظاهر شو یا بر آنها ظاهر گردد.<sup>1</sup>

#### ماده سی و یکم:

حبس در موضوع دین بشرطی جایز است که مدیون از مسترد کردن دین به دائن در حال امتناع ورزد که قادر به اداء دین باشد و این دین بر اقرار مدیون یا بر بینه ها و یا نقض قسم ثابت باشد.<sup>2</sup>

#### ماده سی و دوم:

قاضی میتواند به مدیونی را تعزیر بالحبس دهد که قاضی قدرت آن نداشته باشد که از او حق ذیحق را اخذ نماید و در صورتیکه قاضی قدرت داشت یعنی عین در دست مدیون باشد و یا شی متعلق به مدیون در دست مودع (شخص سوم) به شکل ودیعت است و قاضی بطریق شرعییکه ثابت است، قدرت اخذ آن را دارا باشد، درین صورت نیاز به حبس نیست.<sup>3</sup>

#### ماده سی و سوم:

هرگاه مدیون برای مسترد کردن حق دائن مهلت خواست، قاضی مهلت بدهد، و از محبوس کردن اش خودداری ورزد. این تقاضای مهلت امتناع حق دائن محسوب نمیگردد.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> ردالمحتار کتاب الحدود: (ج: ۶، ص: ۱۲۳)، بدائع الصنائع: (ج: ۶، ص: ۱۲۷).

<sup>2</sup> ردالمحتار کتاب الحدود: (ج: ۶، ص: ۱۲۳)، بدائع الصنائع: (ج: ۶، ص: ۱۲۷)، الهندیة: (ج: ۲، ص: ۱۶۹).

<sup>3</sup> الهدایة: (ج: ۳، ص: ۱۲۰)، معین الحکام: (ص: ۲۳۳)، التاتارخانیة: (ج: ۱۱، ص: ۳۲۸).

<sup>4</sup> ردالمحتار: (ج: ۴، ص: ۳۵)، التاتارخانیة: (ج: ۱۱، ص: ۳۴۱).

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده سی و چهار:

مقدار مدت حبس مدیون مفوض به رأی قاضی میباشد.<sup>1</sup>(۱)

#### ماده سی و پنجم:

هرگاه مدیون بسبب دین محبوس شد و دائن غائب شد و مدیون بگوید: من دین را نقد کرده ام. قاضی میتواند مال را از او تسلیم و مدیون را رها کند و یا مال را از او تسلیم نکند، و ضامن سر و مال را از او بگیرد.<sup>2</sup>(۲)

#### ماده سی و ششم:

هرگاه قاضی تعزیر به حبس را میدهد، در آنصورت اسم محبوس، اسم پدر و پدر کلان او، سبب حبس و تاریخ حبس را درج خواهد کرد. اگر معزول شد، مکتوبی را به قاضی جدید تسلیم خواهد کرد.<sup>3</sup>(۳)

#### ماده سی و هفتم:

تعزیر در حق الله نیاز به تقدم دعوی ندارد، مدعی حیثیت شاهد را دارد شاهد حیثیت مدعی را دارا میباشد.<sup>4</sup>(۴)

#### ماده سی و هشتم:

تعزیری که در آن حق العبد باشد، اقامه آن تعزیر بدون قاضی کس دیگری نمیتواند، اما در صورت تحکیم کس دیگری نیز میتواند.<sup>5</sup>(۵)

<sup>1</sup> الهندية: (ج: ۲، ص: ۱۶۸)، ردالمحتار: (ج: ۳، ص: ۱۹۸)، معین الحکام: (ص: ۲۳۴).

<sup>2</sup> الدر علی هامش ردالمحتار: (ج: ۴، ص: ۳۵۶).

<sup>3</sup> الهندية: (ج: ۳، ص: ۳۴۶)، البحر: (ج: ۴، ص: ۳۰۰).

<sup>4</sup> الهندية: (ج: ۲، ص: ۱۶۷)، الفتاوی الکاملية: (ص: ۴۷)، شرح المجلة: (ج: ۴، ص: ۱۱۷-۱۱۸).

<sup>5</sup> الهندية: (ج: ۲، ص: ۱۶۷).

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

#### ماده سی و نهم:

در حال مباشرت، هر مسلمان میتواند اقامه تعزیر نماید او بعد از مباشرت، کسی نمیتواند اقامه تعزیر نماید مگر اینکه امام و قاضی باشد.<sup>1</sup> (۲)

#### ماده چهلم:

قاضی میتواند در هر معصیتی که در آن حد نه باشد، تعزیر بدهد. همچنان، زوج میتواند زوجه خویش را تعزیر دهد. مثلاً: زنی بدون اجازه شوهر اش از خانه بیرون میرود و یا موارد مثل دیگر این ... البته او زن خود را طوری نمی زند تا استخوان اش بشکند یا سیاه شود.<sup>2</sup> (۳)

#### ماده چهل و یکم:

هرگاه قاضی زدن را در حدود و تعزیرات انجام میدهد، باید با درّه شرعی بزند و زدن نیز باید به طریقه شرعی باشد.<sup>3</sup> (۴)

<sup>1</sup> ردالمحتار: (ج: ۴، ص: ۳۵)،

<sup>2</sup> الھندیة: (ج: ۲، ص: ۱۶۷)

<sup>3</sup> الدر علی هامش الرد: (ج: ۳، ص: ۲۰۶)

<sup>4</sup> الدر علی هامش الرد: (ج: ۳، ص: ۱۶۱) و هكذا فی بدائع الصنائع: (ج: ۵، ص: ۵۲۸)